

- **مدیرمسئول:** محمدامین ایمانجانی
- **قائم‌مقام مدیرمسئول:** مسعود فروغی
- **سردبیر:** محمد زعیم‌زاده
- **دبیر وقایع اسرائیلیه:** محمدصادق علیزاده
- **تلفن و فکس:** ۶۲۹۹۴۹۵ (۰۲۱)
- **کدپستی:** ۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
- **جواب:** جایگاه دانشگاه آزاد اسلامی
- **نشانی:** خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری، روبه‌روی ساختمان بورس ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

رسانه‌های غربی
از نظم تازه در دریای سرخ
حول محور ایران، روسیه و چین
خبر می‌دهند

اتحادیه دشمنان صبور

تنگه باب‌المندب

دریای سرخ

ریاض

مسیرهای اصلی کشتی‌رانی

لجستیک، همه در چهارچوب حمایت ایران انجام می‌شود. تهران این بحران را بخشی از «محور مقاومت» می‌بیند و از آن به عنوان اهرم فشار علیه آمریکا و رژیم اسرائیل استفاده می‌کند. در لایه عملیاتی، ایران پرزنگ‌ترین نقش را ایفا می‌کند و همین حمایت است که به عملیات انصارالله انسجام و شدت بخشیده است.

روسیه؛ حامی سیاسی و رسانه‌ای

مسکو اگرچه در میدان حضور پرزنگی ندارد، اما از مسیر دیگری نقش ایفا می‌کند. به گزارش وال استریت ژورنال، روسیه داده‌های ماهواره‌ای در اختیار انصارالله گذاشته تا دقت حملاتشان افزایش یابد. علاوه بر آن، میزبانی رسمی هیئت‌های انصارالله در مسکو و حمایت آشکار در شورای امنیت، نشان‌دهنده تلاش روسیه برای تقویت مشروعیت این گروه و جلوگیری از اجماع غربی است. تحلیلگران المانی‌تور نوشته‌اند که کرملین این بحران را فرصتی برای تضعیف آمریکا و بازتعریف جایگاه خود در ژئوپلیتیک جهانی می‌داند. روسیه در میدان نظامی کمتر ظاهر می‌شود، اما نشانه‌های حمایت غیرمستقیم از جمله تبادل داده‌های ماهواره‌ای و حفاظت از کشتی‌هایش را نمی‌توان نادیده گرفت.

چین؛ حسابگر اقتصادی

چین با دیپلماسی سکوت وارد میدان شده است. اسکورت کشتی‌های تجاری، مذاکرات محرومانه با تهران و تماس‌های پنهان با نمایندگان انصارالله، بخشی از رویکرد پکن است. ساوت چاینامورنینگ پست گزارش داده که چین به انصارالله پیام داده حملات به کشتی‌های مرتبط با تجارت چین را کاهش دهند. پکن خط قرمز خود را روشن گذاشته: «امنیت تجارت و انرژی» بی‌آنکه به رویارویی مستقیم با آمریکا کشیده شود. چین، با بیانیه‌های محتاطانه و دیپلماسی پنهان، نقش «متعادل‌کننده» را بر عهده دارد؛ نه در کنار آمریکا و ناتو قرار می‌گیرد و نه حمایت مستقیم از حملات انصارالله را به زبان می‌آورد.

هم‌افزایی راهبردی در میان محدودیت‌ها

در سطح راهبردی، سه جانبه‌گرایی به وضوح شکل گرفته است. ایران این بحران را فرصتی برای گسترش نفوذ منطقه‌ای می‌بیند؛ روسیه آن را ابزاری برای تضعیف آمریکا و ناتو و تثبیت موقعیت ژئوپلیتیک خود؛ و چین تمرکزش را بر تضمین امنیت تجارت و مسیرهای انرژی گذاشته است. نقطه مشترک آن‌ها روشن است: به چالش کشیدن هژمونی آمریکا در دریاهای جهان و نشان دادن این واقعیت که واشنگتن دیگر به تنهایی قادر به تأمین امنیت مسیرهای حیاتی تجارت جهانی نیست. با این حال، محدودیت‌ها جدی‌اند. ایران بار اصلی ریسک و درگیری مستقیم را بر دوش دارد. روسیه از حاشیه‌ها بهره‌برداری سیاسی می‌کند، بی‌آنکه هزینه نظامی بدهد و چین، همواره خط قرمز خود را منافع اقتصادی می‌گذارد و مراقب است وارد تقابل مستقیم با آمریکا نشود. به این ترتیب، دریای سرخ به آزمایشگاهی تازه برای نظم جهانی بدل شده است؛ جایی که ایران موتور محرک عملیات است، روسیه بازوی سیاسی و رسانه‌ای و چین پشتوانه اقتصادی و دیپلماتیک پنهان. همکاری ناهمگون این سه بازیگر، تنش محلی دریای سرخ را به چالشی جهانی برای غرب و آمریکا ارتقا داده است.

انتقال فناوری‌های دوکاره به یمنی‌ها، هماهنگی با ایران و رهبران انصارالله برای تضمین ایمنی کشتی‌های چینی و بهره‌برداری از بی‌ثباتی منطقه‌ای برای تضعیف نفوذ آمریکا. آتلانتیک کانسل هم در مقاله‌ای تحلیلی که ۲۲۵ جولای منتشر کرده، تصریح می‌کند که تمایل غرب به اجتناب از ورود به یک درگیری در دریای سرخ به هنگام نیاز به اقدام قاطع، به فلج تصمیم‌گیری منجر شد. مسیر تشدید بحران پس از آن، شکاف راهبردی بنیادی درون اتحاد غربی را بر سر نحوه مواجهه با انصارالله آشکار کرد. از نگاه این مقاله، بحران دریای سرخ نشان داد چگونه قدرت‌های رقیب می‌توانند با پیگیری موازی منافع فردی خود به همکاری راهبردی برسند؛ همگرایی‌ای که اثرات تجمعی آن فراتر از توان هر یک به تنهایی است. این قدرت‌ها دریافته‌اند که پیگیری موازی منافع شخصی، اثرات سیستماتیک تقویت‌کننده‌ای ایجاد می‌کند. بنابراین، غرب بایک «توطئه» روبه‌رو نیست، بلکه با چیزی احتمالاً دشوارتر مواجه است: هم‌سوایی ارگانیک منافع متخاصمان که برای تداوم خود نیازی به برنامه‌ریزی مرکزی ندارد و هیچ نقطه فشار واحدی هم برای مهار آن وجود ندارد. مجموع این گزارش‌ها تصویری روشن می‌سازد؛ چین، روسیه و ایران هر یک با سازوکارهای متفاوت اما در مسیری همسو، به انصارالله یمن امکان داده‌اند تا دریای سرخ را به صحنه‌ای از رقابت ژئوپلیتیک و فشار بر غرب بدل کنند.

همگرایی ایران، چین و روسیه

نشان داده است که دشمنان

صبور می‌توانند عرصه‌های مشترک جهانی

را قطعه قطعه کنند، در حالی که غربی‌ها هنوز

در حال بحث بر سر گزینه‌های پاسخ هستند

مثالث ایران، روسیه و چین در دریای سرخ

به وضوح، دریای سرخ دیگر تنها یک گذرگاه استراتژیک برای تجارت جهانی نیست؛ این روزها به صحنه جدال پنهان میان شرق و غرب تبدیل شده است. جایی که سه بازیگر کلیدی ایران، روسیه و چین هر کدام با اهدافی متفاوت اما مقصدی مشترک، معادله قدرت را علیه آمریکا و متحدانش به چالش می‌کشند. یک دیپلمات غربی در گفت‌وگو با فایننشال تایمز هشدار داده بود: «بحران دریای سرخ به آزمایش واقعی نظم جهانی پس از جنگ اوکراین بدل شده است. ایران موتور محرک میدانی است، روسیه پشت صحنه به آن مشروعیت می‌بخشد و چین حسابگرانه منافعش را مدیریت می‌کند.»

ایران؛ موتور محرک عملیات

به ادعای رسانه‌های غربی، شکی وجود ندارد که بدون تهران، حملات انصارالله یمن به این سطح از انسجام نمی‌رسید. گزارش‌های واشنگتن پست و الجزیره بارها تأکید کرده‌اند که از انتقال فناوری پهپاد و موشک گرفته تا آموزش و

در هفته دوم جولای، دریای سرخ شاهد مرگبارترین رخداد‌های خود بود؛ از حمله لیزری و غرق شدن دو کشتی تجاری یونانی با پرچم لیبی تا کشته شدن چهار ملوان و اسارت شش نفر دیگر به دست حوثی‌ها. مجموعه‌ای از تحقیرهای راهبردی که

غرب را غافلگیر کرد و نشان داد آنچه رخ می‌دهد تصادفی نیست، بلکه پرده‌برداری از نظامی تازه در معادلات دریایی است.



ناعمه اصفهانیان

رسانه‌ها چه می‌گویند؟

در یک سال گذشته، مجموعه‌ای از گزارش‌ها از رسانه‌های معتبر غربی تصویری پیچیده از نقش‌آفرینی قدرت‌های جهانی در بحران دریای سرخ ارائه داده‌اند. در آوریل ۲۰۲۵، وال استریت ژورنال فاش کرد که شرکت ماهواره‌ای چینی (CGSTL) Chang Guang Satellite Technology (CGSTL) تصاویر ماهواره‌ای و قطعات پهپادی پیشرفته از جمله سلول‌های سوخت هیدروژنی در اختیار انصارالله قرار داده است؛ داده‌هایی که بنابه تأیید وزارت خارجه آمریکا برای هدف‌گیری کشتی‌های جنگی ایالات متحده و شناورهای بین‌المللی استفاده می‌شود. CGSTL که در چهارچوب سیاست «ادغام نظامی مدنی» چین فعالیت می‌کند، به ارتش این کشور نزدیک است و توسعه شبکه ماهواره‌ای خود را شتاب داده است. این افشاگری، تنش میان واشنگتن و پکن را در خاورمیانه افزایش داد. پیش‌تر، در اکتبر ۲۰۲۴، وال استریت ژورنال با استناد به گزارش‌های اورشلیم پست، تایمز آو اسرائیل و دیفنس پست نوشته بود که روسیه نیز داده‌های هدف‌گیری، احتمالاً ماهواره‌ای، در اختیار انصارالله گذاشته است؛ داده‌هایی که به ادعای آن‌ها از طریق نیروهای سپاه پاسداران در یمن منتقل و بستر بیش از صد حمله موشکی و پهپادی علیه کشتی‌های غربی شدند.

در مارس ۲۰۲۵، نیویورک پست با نگاهی حمایتی به کارزار نظامی رئیس‌جمهور آمریکا مدعی شد که روسیه در ازای دریافت موشک‌های بالستیک ایرانی برای جنگ اوکراین، اطلاعات ماهواره‌ای به انصارالله می‌دهد. این روزنامه تأکید کرد که انصارالله به طور معنادار از هدف‌گیری کشتی‌های روسی و چینی پرهیز کرده‌اند؛ نشانه‌ای از یک هم‌پیمایی ضمنی سه جانبه میان مسکو، پکن و تهران علیه غرب. فارین پالیسی در مقاله‌ای به قلم الیزابت براو در نوامبر ۲۰۲۴ هشدار داد که اقدام روسیه در انتقال داده‌های هدف‌گیری به حوثی‌ها، نقض آشکار قوانین بین‌المللی دریانوردی است و الگویی خطرناک برای سایر کشورها در حمایت از گروه‌های نیابتی می‌تواند ایجاد کند. براو، کاهش محسوس ترافیک کشتیرانی در کانال سوئز را پیامد مستقیم این حملات دانست.

در مه ۲۰۲۵ نیز تایمز انگلستان تحلیلی ارائه داد که چارلی تاب‌آوری و موقعیت برتر انصارالله را شرح می‌داد؛ اتکاء به حمایت ایران، توان تولید محلی سلاح، مقاومت در برابر بیش از ۸۰۰ حمله هوایی و هزینه‌های سنگین آمریکا و متحدانش؛ از جمله سقوط یک جنگنده F/A-۱۸ و صرف حدود ۷ میلیارد دلار در ۱۵ ماه. در تازه‌ترین ارزیابی، استیمسون سنتر در آگوست ۲۰۲۵ سیاست چین را «عملگراییانه و حساب‌شده» توصیف کرد؛ حفظ ظاهری بی‌طرفانه همراه با